



مصاحبه

این بار با آقای غلامرضا سلامی بیدگلی مصاحبه‌ای داریم. ایشان در سال ۱۳۲۵ در کاشان متولد شده، از دبیرستان امیرکبیر تهران دیپلم ریاضی گرفته‌اند. ایشان تحصیلات خود را در رشته‌ی مدیریت امور مالی و کنترل در انگلستان به پایان رسانده‌اند و از اعضای انجمن مدیریت بریتانیا، انجمن مدیریت ایران و انجمن حسابداران خبره‌ی ایران هستند. نامبرده در سمت‌های کارشناس در سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور مالی و اداری شرکت‌های دولتی و خصوصی، عضویت در هیأت مدیره‌ی شرکت‌های مختلف دولتی و خصوصی، عضو هیأت عامل سازمان گسترش و توسعه‌ی صنایع ایران، قائم مقام و معاون اجرایی مرکز بررسی قیمت‌ها و... خدمت کرده‌اند و اکنون معاون فنی دیوان محاسبات کشور هستند. آقای سلامی از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه‌های مختلف کشور به تدریس رشته‌های مختلف حسابداری و حسابرسی و مدیریت مالی اشتغال داشته‌اند. تالیفات بی‌شماری به زبان‌های انگلیسی و فارسی دارند. مقالات "تحلیل نقطه‌ی سربه‌سری"، و "مقدمه‌ای بر حسابرسی مدیریت"

از ایشان قبلا در حسابدار به چاپ رسیده است.
اکنون به درج نقطه نظرها ی شخصی ایشان در پاسخ
به سوالات ما می پردازیم.

تاریخچه ی تاسیس و تحولات دیوان محاسبات کشور قبل از پیروزی
انقلاب اسلامی را بیان دارید.

بسم الله الرحمن الرحيم - الماله الحكم وهو اسرع الحاسبين

قبل از شروع به پاسخگویی به سوالات لازم می دانم عنوان کنم که
پاسخ به سوالات مطروحه در این جلسه از طرف اینجانب را نهی نقطه
نظرهای شخصی است و به هیچ وجه نباید به عنوان سیاستهای اجرایی
و یا نقطه نظرها ی دیوان محاسبات کشور تلقی گردد. و اما پاسخ به
سوال اول:

قانون تشکیل دیوان محاسبات در ماه صفر سال ۱۳۲۹ قمری از
تصویب مجلس وقت گذشت و به موجب آن دیوان محاسبات تاسیس
گردید. قانون فوق به موجب قانون دیگری که در دی ماه ۱۳۱۲ هجری
شمسی در ۴۱ ماده جایگزین قانون ۱۳۳۹ هجری قمری شد، در قانون
مصوب دی ماه ۱۳۱۲ نیز به موجب قوانینی که در ۱۳۱۴/۱۲/۲۹ و
۱۳۱۷/۷/۳ و ۱۳۱۸/۱۲/۵ و ۰۰۰ و سرانجام ۱۳۵۲ شمسی به تصویب
رسید، تغییرات اساسی داده شد. در کلیه ی قوانین مزبور چند
مطلب اساسی درخور توجه است.

۱- دیوان محاسبات به عنوان یکی از نهادهای قوه ی مجریه
عمل می کرده است و به عبارتی بیشتر نقش حسابرس داخلی
دولت وقت را دارا بوده است.

۲- اگرچه حدود وظایف و اختیارات دیوان محاسبات در قوانین
اولیه نیز مورد بحث است ولی قوانین بعدی در جهت تحدید این
وظایف و اختیارات به تصویب رسیده است.

۳- چه گونه ی انجام وظایف دیوان از ضوابط روشن برخوردار نبوده

است، و دیوان محاسبات در گذشته بیشتر به ممیزی اسناد پرداخته است. در حقیقت دیوان محاسبات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از واحدهای تحت نظارت وزارت دارایی شکل گرفته بود و ارکان قانونی آن شامل رئیس و دادستان و مستشاران دیوان محاسبات از طرف وزیر دارایی به مجلس شورای ملی پیشنهاد می شدند و با توجه به این که امکانات و دستورالعملهای اجرایی و روشهای انجام وظایف دیوان محاسبات باید توسط وزیر دارایی وقت تهیه و تدوین می شده است و نیز این حقیقت که ذی حسابان وزارتخانهها و دستگاههای دولتی را نیز وزارت دارایی منصوب می داشته است، عملاً این واحد نظارت از کارایی لازم برای کنترل و حسابرسی عملیات مالی در وزارتخانهها و دستگاههای دولتی برخوردار نبوده است و الا این همه نارسایی و اختلاس در کشور صورت نمی گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه تحولاتی در دیوان محاسبات رخ داده است؟

به طور کلی اکثریت قریب به اتفاق کشورها چنین دستگاه نظارتی را در تشکیلات اداری خود دارا می باشند، منتهی یکی از مطالب مورد بحث در سمینارهای بین المللی در این رشته این بوده که آیا دیوان محاسبات باید زیر نظر کدام یک از قوای سه گانه باشد؟ طرفداران این نظر که دیوان محاسبات برای انجام وظایف خطیر خود باید از استقلال کافی برخوردار و لذا باید زیر نظر قوهی مقننه باشد زیرا دندوبه تبع این نظر در موقع تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس خبرگان طبق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است که "دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی" باشد و با توجه به قسمت اخیر همین ماده، قانون دیوان محاسبات کشور در جلسهی روز دوشنبه ۱۳۶۱/۱۱/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ به تایید شورای محترم نگهبان رسیده است. طبق این قانون ارکان دیوان محاسبات کشور

عبارت از: رییس، دادستان، مستشاران، معاونان، مشاوران، دادیاران، ممیزان حساب، حسابرسان، کارشناسان فنی و کارکنان اداری و بایده دیوان در تهران و شهرستانها دارای تشکیلات لازم باشد. رییس و دادستان دیوان محاسبات با پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی و رای موافق (و مخفی) اکثریت مطلق نمایندگان مجلس شورای اسلامی به سمتهای فوق منصوب می شوند، در وظایف دیوان محاسبات کشور نیز (در مقایسه با قوانین قبلی) تجدیدنظر اساسی شده است و لذا به طور خلاصه دگرگونی قابل ملاحظه ای در نقش، جایگاه، ارکان، و وظایف دیوان محاسبات کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ داده است.

با توجه به این که اسناد مالی در بخش دولتی معمولاً به وسیله ی ذی حساب و معاونان ذی حسابی، یک یا دو نفر از بالاترین مقامات مسؤول کنترل و پرداختی ریه ی رسیدگی نیز کاملاً رسیدگی می شوند، لزوماً انجام حسابرسی توسط دیوان محاسبات چیست؟ این که این گونه کنترلها و رسیدگیها (قبل و بعد از خرج و تعهد) باید انجام شود جای تردید ندارد، ولی چه کسی اطمینان می دهد که در وصول میلیاردها تومان در آمد و انجام میلیاردها تومان هزینه و تعهد اشتباهی رخ نمی دهد، و کلیه ی ضوابط و مقررات قانونیه مورد اجرا گذارده می شود؟ و در هر حال با نهایت تاسف همیشه هستند افرادی که پیشرفت کار را در قانون شکنی می دانند و یا از قوانین سوء استفاده می کنند و یا حتی خدای نکرده به سوء استفاده های مالی دست می زنند.

در هر حال اتفاق افتاده است که به دلایل بالا و نیز عدم وجود کار کافی و مطلع در امور حسابداری و آشنا به قوانین و مقررات و بعضی سهل انگاریها حسابهای بعضی از دستگاهها به موقع آماده نبوده، یا دارای اشکالاتی بوده است. علاوه بر اینها قوه ی محریه موظف است لایحه ی تفریغ بودجه را تهیه و برای تصویب به مراجع ذیصلاح ارائه دهد. و طبیعتاً بنا به دلایل بالا و ضرورت اجرای اصل تقابل نیاز هست

تا دستگاه مستقلی صحت عملیات مالی در دستگاههای اجرایی را مورد بررسی و اظهار نظر قرار دهد و این دستگاه به استناد اصل ۵۵ قانون اساسی کشور مان دیوان محاسبات کشور است. به هر حال ذی حسابان و مقامات کنترل کننده فعالیتها در قوهی مجریه نقش حسابرس داخلی در دستگاههای اجرایی را ایفا می کنند، در حالی که دیوان محاسبات کشور به عنوان حسابرس مستقل عمل می کند.

در ایام اوج گیری انقلاب اسلامی بسیاری از اسناد و مدارک موسسه های دولتی از بین رفت. در این مورد چه تصمیمهایی گرفته شد؟

تکلیف این موضوع را تبصره ی ۶۶ قانون بودجه ی سال ۱۳۶۱ تعیین کرده است. به استناد مفاد این تبصره یک هیات سه نفره مرکب از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی با اختیارات تام در این موارد بررسی و اتخاذ تصمیم می نماید. کمیسیون موضوع این تبصره تشکیل شده است و تاکنون احکام لازم را صادر کرده، ولی تا پایان سال ۱۳۶۴ مدت اجرای این تبصره نیز به اتمام رسید و اگر اسنادی از این قبیل باشد، به هزینه منظور نخواهد شد مگر آن که در آینده در این خصوص تکلیف دیگری را بیان دارند. دستور العمل اجرایی این تبصره توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شده، در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۵/۲۰ هیات دولت به تصویب رسیده است.

در مورد تهیه ی گزارش تفریغ بودجه تاکنون چه اقداماتی شده است و در چه مرحله ای هستید؟

طبق مفاد ماده ی ۸ قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ وظیفه ی دیوان محاسبات در مورد تفریغ بودجه تهیه و تدوین گزارش حاوی نظرات در مورد لایحه ی تفریغ بودجه و ارائه ی آن به مجلس شورای اسلامی است، لذا عملاً وظیفه ی دولت است که لایحه ی تفریغ بودجه را تنظیم نماید و پس از ارائه ی آن به دیوان محاسبات کشور دیوان محاسبات گزارشی حاوی نظرات خود تهیه و به مجلس تقدیم

خواهند نمود. تکلیف چه گونگی تهیهی لایحهی تفریغ بودجه نیز به موجب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مشخص شده است. دیوان محاسبات کشور برنا مه ریزی لازم برای انجام وظایف قانونی خود را معمول می دارد و امیدوار است که در این مورد تاخیری نداشته باشد. و اخیرا نیز طرحی تهیه و به مجلس ارائه گردید که یک نوبت آن نیز به تصویب رسیده است و به موجب آن قرار است تفریغ بودجه ی سال ۱۳۶۱ پس از تهیه توسط وزارت دارایی و اظهار نظر دیوان محاسبات به مجلس ارائه گردد.

نظر شما درباره ی فعالیت حسابرسان بخش خصوصی چیست ؟

بدون تردید اگر نظام مطلوب حسابرسی در کشورمان استقرار یافته بود حسابرسان بخش خصوصی نیز می توانستند در کنترل فعالیتهای مالی (و حتی مراحل تشخیص درآمدهای دولتی و ارائه ی طرحهای اقتصادی مفید برای کشور) نقش موثری داشته باشند ولی بانهایت اسفند و الا این نظام هنوز پیشنها دو تدوین و تصویب نشده است و ثانیاً اثرات نامطلوب الگوهای گذشته هنوز مشاهده می شود. در هر حال هیچ سازمانی متولی نظارت بر نظام حسابرسی کشور نیست. قسمتی از این نارساییها عنوان می شوند تا معلوم شود این نظام در کجا قرار دارد.

- تأسیس موسسات حسابرسی بخش خصوصی تابع هیچ ضابطه ای نیست، به عبارتی هرکسی با هر خصوصیتی می تواند به ثبت و تأسیس یک موسسه ی حسابرسی در کشور اقدام نماید.
- خصوصیات تخصصی و اخلاقی کسانی که می توانند دارای عنوان حسابرس باشند هنوز تدوین و تصویب نشده است.
- ضوابط و استانداردهای قابل قبول حسابرسی در کشور تدوین و تصویب نشده است.
- ضوابط انضباطی برای حسابرسان نداریم.
- با وجود آن که بعضی از سازمانهای حسابرسی برای حق الزحمه های خود نرخهایی را برقرار کرده اند، ولی این نرخها هنوز عمومیت

نیافته است و معقول بودن آنها را نیز کسی تایید نکرده است .
 - اگر فرض شود که جا معه به این حرفه اعتماد کامل دارد ، باید قبول کنیم که حسابرسان (به خصوص بازرسان قانونی) باید درکمال بی طرفی و شجاعت نسبت به نارساینها و عدم اجرای قوانین و مقررات اظهار نظر کنند ولی مشاهده شده است که بعضا یا به این موارد اشاره نشده است و یا با انشای نویسی در گزارشها از طرح و عنوان مزیح مطالب طفره رفته اند و مسؤولان نیز در مواردی به دلیل عدم اطلاع از مسایل متوجه اصل موضوع نشده اند و خلاصه مطلب لوث و از رهگذر این گونه برخوردها زیانهای مالی و اجتماعی قابل توجهی بر کشور وارد شده است .

واقعا برای این گونه موارد چه کسی مسؤول است ؟ هر چه که هست این که تا این نارساینها شناخته نشده ، رفع نشود ، تقدس حرفه ای حسابرسی حفظ نخواهد شد ، اما در هر حال نظر من این است که با تدوین و تصویب ضوابط لازم حسابرسان بخش خصوصی می توانند نقش موثری در کنترل فعالیتها و بهبود سیستمهای مالی (حتی در سازمانها و بخش دولتی) عهده دار شوند و در حقیقت اگر زمینه ی تدوین و تصویب ضوابط لازم فراهم گردد چه بسا این گروه بتوانند با زوایا جرایبی برای دولت باشند . برای فراهم آوردن چنین زمینه ای باید شکل و محتوای نظام حسابرسی کشورمان به طور اساسی متحول شود و برای ایجاد این تحول دست کم اقدامات زیر باید انجام گیرد :

- هدفها و وظایف حسابرسی و کنترلهای مالی مستقل باید بادی دگاهی اجتماعی مشخص و تعریف شوند و استانداردها و ضوابط و معیارهای حسابرسی بر اساس اصول اخلاقی و شرعی پایه گذاری گردد .
- حدود فعالیتهای بخشهای خصوصی و عمومی در انجام حسابرسیها و ارائه خدمات مالی با توجه به هدفها و وظایف مشخص و تعریف شده ، تعیین گردد .
- هدفها و وظایف حسابرسی و کنترلهای مالی و ارائه خدمات مالی باید بادی دگاهی اجتماعی مشخص و تعریف شوند .
- در تدوین استانداردها و ضوابط و معیارهای حسابرسی و کنترلهای

- مالی به اصول فقهی و اخلاقی و مرا حل سیاسی توجه خاص مبذول گردد.
- حدود فعالیت‌های بخشهای خصوصی و عمومی در انجام حسابرسیها با توجه به هدفهای مشخص و تعریف شده تعیین و هماهنگ شود.
- ضوابط حرفه‌ای حسابرسی و انتخاب حسابرسان با همکاری مسوولان دولتی و بخش خصوصی و متخصصان و کارشناسان متعهد و با رعایت اصول اخلاقی و موازین شرع مقدس و دیدگاه‌های تخصصی تدوین و تنظیم گردد.
- فعالیت موسسات حسابرسی بخش خصوصی و عمومی به صورت دائم مورد نظارت و ارزشیابی قرار گیرد.
- مقررات و ضوابط قانونی برای مجازات متخلفان در این حرفه وضع گردد و به صورت قاطع به مورد اجرا گذاشته شود.
- آموزش رشته‌های مختلف حسابداری، حسابرسی، امور مالی و فعالیت‌های مربوط با همکاری سازمانهای ذیربط در بخش عمومی (نظیر دیوان محاسبات کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، دانشگاهها، شورای عالی قضایی و...) و موسسات حسابرسی مستقل متناسب با هدفهای مشخص شده‌ی کوتاه و بلند مدت حرفه‌ی حسابرسی در ایران دگرگون شده، به طور جدی به مورد اجرا گذاشته شود.
- ضرورت دارد حسابرسان مستقل تحت حمایت قانون قرار گیرند تا بتوانند به دور از هر نوع جوسازی و ترس و رعب گزارش‌های مستقل و بی طرف تهیه نمایند.
- برای موثر نمودن گزارشهای حسابرسی ضمانتهای اجرایی (و قانونی) برقرار گردد.
- برای تحقق منظوره‌ای بالا پیشنهاد می‌شود سازمانی قانونی و متشکل با همکاری سازمانهای ذیربط بخش عمومی، انجمنهای قانونی حسابداری، و متخصصان و استادان متعهد کشور به وجود آید و حداقل وظایف زیر را بر عهده داشته باشد:
- هدایت مجموعه‌ی فعالیت‌های حسابرسی در کشور با دیدگاه حفظ منافع جامعه در کل و تعیین مرکز فعالیت‌های حسابرسی در بخش عمومی و در بخش خصوصی.

- تدوین و تنظیم ضوابط حرفه‌ای و استانداردهای حسابرسی.
- تدوین ضوابط مربوط به تاسیس موسسه‌های حسابرسی مستقل.
- نظارت بر تاسیس و فعالیت موسسه‌های حسابرسی مستقل و ارزشیابی مداوم آنان.
- مشارکت در برنامهریزیهای آموزش رشته‌های حسابداری، حسابرسی مدیریت مالی و... در دانشگاهها و موسسات آموزشی مستقل مورد قبول.
- نظارت قانونی بر فعالیت موسسات آموزشی در رشته‌های حسابداری و حسابرسی و مدیریت مالی و... در بخش خصوصی.
- تشکیل سمینارها، ایجا دکتابخانه‌های غنی، انتشار مقالات و تشویق مولفان و استادان به ترجمه و تالیف کتب مناسب و پرمحتوی.
- هدایت تحقیقات در رشته‌های حسابرسی و حسابداری و علوم مالی به جهات مناسب.
- طبعاً، تاسیس و ایجا دچنین سازمانی وقتی موثر خواهد بود که حسابرسی به عنوان ابزاری در جهت سالم سازی مجموعه‌ی فعالیتهای جامعه تلقی شود و با اعتقاد و ایمان و به دور از هرگونه دسته‌بندی و گروه‌گرایی به فعالیت بپردازد و خود به طور منظم مورد ارزشیابی جامعه قرار گیرد. در ایجا داین تحولات و تغییر هدفها تدوین و تنظیم و تصویب قوانین پرمحتوا لازم است، ولی وقتی کافی خواهد بود که کلیه‌ی این قوانین و دستورات عملی با قاطعیت به مورد اجرا گذاشته شوند.

نشریه‌ی حسابداری را چه گونه می بینید؟

بدون تردید هر کوششی که در جهت تهیه و انتشار مقالات و مطالب اساسی در زمینه‌ی حسابرسی و حسابداری و علوم مالی در کشور مانجام شود قابل تقدیر است. با وجود آن که از تاسیس اولین دانشکده‌ی حسابداری در کشور مان بیش از ۲۶ سال می گذرد، مع هذا تعداد کتب و نشریات در این رشته‌ها به زبان فارسی بسیار بسیار محدود است و غالباً نیز این کتب برای تدریس در کلاسهای دانشگاهها و آموزشگاهها

نوشته شده است و به توضیح مقدمات این رشته ها پرداخته اند در حالی که در سایر کشورها زمینه های تحقیقاتی در رشته های حسابداری و حسابرسی و علوم مالی هر روز گسترش بیشتری یابد. تنها کافی است به فهرست انتشارات و مجله ها در این رشته ها در دنیا نگاهی انداخته شود. مجلاتی نظیر:

Accounting Review; Accountancy; Management Accounting...

و صدها نشریه ی دیگر که به صورت ماهانه و یا سه ماهه در دنیا منتشر می شود و نیز چاپ هزاران کتاب جدید در هر سال نشان می دهد که دامنه ی تحقیقات در این رشته ها تا چه اندازه گسترش یافته است و بانهایت تا سبب دلیل وجود "مرزهای زبان" استفاده از همه ی آنها برای بسیاری از فارغ التحصیلان و دانشجویان ما ممکن نمی باشد، پس ضروری است که با انتشار مجلاتی نظیر **حسابدار** در دو جهت اساسی حرکت کرد:

۱- ترجمه ی مقالات متناسب با نیازهای کشورمان.

۲- انجام تحقیقات اساسی در زمینه های حسابداری و حسابرسی و علوم مالی به طور خالص و بکر.

انجام مطالعات و تحقیقات در حسابرسی در کشورمان از جنبه های اسلامی جایگاهی خاص می تواند داشته باشد. به نظر ما در کلام مولا علی علیه السلام در حاسب و اقبل ان تحاسب و یلا و امرشان به مالک اشتر در حالی که می فرمایند "در کار کارگزارانت واری کن و افراد صدیق و با وفا را بر آنان مراقب ساز" دنیایی مطلب نهفته است و می توان بسیاری از اصول و ضوابط و استانداردهای حسابرسی را از کلام این بزرگواران استخراج نمود. مثلاً اصل فقهی اهم فالاهم همان اصل "اهمیت" نیست که قرنهای پیش برایمان گفته شده است؟ **حسابدار** می تواند در انجام این مطالعات و تحقیقات نقش ارزنده ای را بر عهده بگیرد.

بدون تردید هر کس می تواند ادعا کند که **حسابدار** نقص دارد، ولی اولاً کاری است که حدود یک سال پیش شروع شده است و تا این جا هم خوب بوده است، ثانیاً از نویسندگان و اساتید انتظار است که

همکاری بیشتری با مجله داشته باشند تا اداره کنندگان بتوانند مطالب پربارتری را در مجله انتشار دهند. پیشنهادهای سائیر استید همگهگاه در مجله منتشر شده است. در هر حال امیدوارم که امسال با همکاری همی دست اندرکاران مجلهی بهتری داشته باشیم. انشاءا... خداوند به همه توفیق خدمت به اسلام و مسلمین عنایت فرماید.

با توجه به سوابق شما در امر تدریس در دانشگاهها، وضعیت آموزش حسابداری در کشور را چه گونه می بینید؟

کشورمان در امر حساب و کتاب سابقه ای طولانی دارد ولی کاربرد "حسابداری دوطرفه" سابقه ای طولانی در کشور ایران ندارد (طولانی در مقایسه با سال اختراع حسابداری دوطرفه توسط پاپیلوی ایتالیایی در ۱۴۹۴). اولین دانشکدهی حسابداری حدود ۲۶ سال قبل در ایران تأسیس شد و مسلماً به نوبه ی خود اقدامات موثر در این رشته بود، ولی توسعه ی تاریخی آن چندان قابل توجه نبوده است. علاوه بر آن چه که در مصاحبه های سائیر سابقه عنوان شده است، باید موضوع علاقه ی جوانان کشورمان به تحصیل در این رشته، محتوای برنامه های آموزشی، استقبال جامعه از فارغ التحصیلان این رشته ها، چه گونه ی همکاری بین موسسات حرفه ای و دانشگاهها و... را نیز مطرح کرد. اگر روشن وبی پرده صحبت کنیم، مملکت ما "تیترا" زده است و به لحاظ این که فارغ التحصیلان رشته های پزشکی، دامپزشکی، داروسازی، راه و ساختمان، معماری، معدن و... دارای عنوان (تیترا) دکتر و مهندس می شوند غالب جوانان، و فارغ التحصیلان دبیرستانی علاقه مند به ورود به این دانشکده ها می باشند و کمتر مایل به ادامه ی تحصیل در رشته های نظیر حسابداری هستند. بعضاً هم تصور می کنند که به رغم سالها تحصیل سرانجام به آنها به چشم یک حسابدار نگاه خواهند کرد و آن هم کسی است که صبح تا شب وقتش را صرف تهیه ی چند فاکتور و نوشتن چند سطر دفتر روزنامه و کل می کند. چرا چنین طرز تفکری در جامعه وجود دارد؟ واقعیت این است که هم تبلیغات لازم از طرف دانشگاهها و انجمنهای حرفه ای حسابداری در کشور درباره ی

اهمیت این حرفه و نقش موثر فارغ التحصیلان صورت نگرفته است و هم بعضاً فارغ التحصیلان نتوانسته اند رسالت خود را به انجام برسانند و همان دفتر نویس و یا دست آخر تنظیم کننده ی صورت های مالی باقی مانده اند و هم محتوای برنامه های آموزشی در دانشگاهها در این زمینه ها چندان که باید متحول نشده است، فکرمی کنم مجلات تخصصی "حسابداری" و "مدیریت"، دانشکده های حسابداری، و بعضی از وزارتخانه ها و سازمانهای ذیربط باید با همکاری یک دیگر در جهت اعتلای این حرفه کوشش بیشتری معمول دارند و جوانان کشورمان را به تحصیل این رشته ها بیشتر علاقه مند سازند. حتی در میان دانشجویان این رشته ها نیز، بی علاقه گی به ادامه ی تحصیل مشاهده می شود. علاوه بر آن برنامه های آموزشی در رشته ی حسابداری در دانشگاهها متناسب با تحقیقات و تحولات جهانی نیست. حجم تدریس مطالب در دانشکده های حسابداری بسیار کم است. غالباً یک مطلب در چندین درس چندبار تکرار می شود (مثلاً نقطه ی سربه سری، تجزیه و تحلیل صورت های مالی و...) و در مقابل مطالب گفتنی بسیاری ناگفته می ماند. برای مطالب قابل تدریس کتب و جزوات لازم تالیف نشده، یا انتشار نیافته است و در نتیجه فارغ التحصیلان این رشته ها در عمل با مطالب بسیاری بیگانه اند و حتی در مواردی دیده شده که از قبول مسوولیتها و اهمه دارند. ملاحظه بفرمایید در دنیای امروز با توجه به گستردگی تحقیقات و مطالب نوشته شده در رشته های حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی و... دیگر نمی توان به این صورت در یک دوره ی ۳ یا ۴ ساله متخصص حسابداری تربیت کرد. تدریس مطالب در دانشگاههای مادر حدی نیست که پس از طی ۱۴۰ واحد درسی با محتوای فعلی بتوان گفت متخصص "حسابداری" تربیت شده است. خیر، ولذا باید اولا در دوره ی لیسانس رشته های مختلف حسابداری و علوم مالی دایر کرد و ثانیاً دروس دیگری را در دوره های فوق گنجانید. دوره های فوق لیسانس با محتوای قابل قبول دایر کرد و برای ایجاد دوره های دکترانی نیز در فکر بود و همزمان باید به تالیف و ترجمه ی کتب مورد نیاز اقدام کرد و به خصوص دولت باید هر

گونه‌کوشی را به‌کار گیردتا فاضله‌ی حقوقی و درآمد فاضله‌ی تحصیلات
 رشته‌های مختلف دانشگاهی هر روز کمتر از روز پیش شود. حقوق یک
 پزشک یا یک "دکتر حسابداری" را مقایسه کنید، قطعاً رقم نامعقولی
 است و مادام که این تفاوت هست، گرایش به تحصیل در سایر
 رشته‌ها مورد تردید قرار می‌گیرد، علاقه‌ها کمتر می‌شود، حسابداران
 به طرف تجارت کشیده می‌شوند و... راه حل، همکاری صمیمانه‌ی
 دانشکده‌های حسابداری، متعهدین این حرفه، انجمن‌های حرفه‌ای
 و خلاصه دست‌اندرکاران است و باید در این راه متحمل هزینه‌هایی
 نیز شد که بخشی از آن باید توسط دولت پرداخت شود و بخشی را نیز
 حسابداران باید متحمل شوند. اگر گزاینده نباشد، باید عرض کنم که
 متأسفانه جامعه حسابداران کمتر توان و نیروی خود را برای
 اعتلای این حرفه به‌کار می‌گیرند و نمونه‌ی آن تعداد مقالات
 منتشر شده در مجله‌ی حسابدار و به خصوص تعداد نویسندگان آن است
 انشاء... که همین اقدامات مقدمه‌ای دیگر برای یک تحول بنیادین
 در این زمینه‌ها در کشورمان باشد و خداوند توفیق خدمت خالصانه به
 همه‌عنایت فرماید. والسلام.

حسابدار: از این که وقت خود را در اختیار ما گذاردید و به سوالات ما
 پاسخ دادید، بسیار متشکریم و توفیق شما را در خدمت
 به مردم و مملکت از خداوند مسالت می‌نمایم.

